

آسمان وزین دی گشت بکنده نقره اولیا و عارفین ای دازنده ناله اولی
 وی شنونده زود بعقولی ای بکنده اوار ایمن وای نمانده اسباب دمان
 ای بکنده اموال با هوش وی دهنده آمان نه غرض ایست مطلق و
 ای پستان حق ای بابی باران وای روی دهی کارانی ای آفریننده مهر و ما
 و ما پی ای در گذارنده جسم و کفایتی و تباهی ای بیدار کننده صبح و محو کننده
 باطل تا حضرت دهنده محبت و نور کننده مطلق ای داری صبح ای دانه ای
 نشانی ای بکننده ازل و ابد ای طبا بخت و طبا بای نه عد وای همانند روکن
ابیات
 ای که نیند خندان جود نقش چونده کار کا و جود
 گوگ آری ای آسان بلند هم زمین سازه هم شک بودند
 خالق آخلق باعث الاموات عالم الغیب سمع الاصوات
 حق و قیوم و قادر و قاهر اول اول و آخر آخر
 پادشاه قوی مالک حق منشی نفس و فاعل مطلق
 عارف و ز عالم ملکوت مشعل افروز طارم جبروت
 مرفق مالکان ملک مشرف الکان فکر ملک
 سخدا و کوا معرفوت و حد لا شرک لصفیک
 ابتدا کرسنگ بدایت یون انتها کرسنگ نهایت یون
 نشیند و جود یون نیک مستحق سجود یون نیک
 آفرینش تو که بکنده کرد هر کفر که در آفرید ندر

روزن

روزن دیده بر ضیاسندن روزن سینه بر ضیاسندن
 شاه صحرایین و کرسندن خسرو شاه تاج زر سندن
 ابرو رو ز بر ضیاسندن سینه بر رفتن قبا سندن
 کرجانی های دینی کجا سندن ساکن دل کجا کجا سندن
 قبله روح استا نکر دل چرخ سینه ترانک در
 کار سازین و کار سازک یون دینده کاروان درازت یون
 ملی تو ایم بنگا نو اسندن در دمنده بنگا دو اسندن
 خسته جان بجای سن و بر کل مرده کوکل جیاتی سن و بر کل
 سینه هم چیده سار دین ایله سبده می میوه یقین ایله
 مست جام ستر سون ایله بلبل بر سنج ذوق ایله
 ای خداوند عالم وای خالق جن و آدم ای آفریننده زهر و برین ایله
 آفرنده آسمان و زمین بر خالق آخلق سن که کن دید که آدم سن اولین
 بر مالک الملک سرح کرسد دید که ایس شیخ اولی بر همان سرح که خریه
 واردی مستغنی بر کله نخست سن که تاج مارا جده غنی الی اولی دارت
 باقی سن که سون دنده که منت مصلحت علامت واره و او ان خراج خط
 دنیا یقین اوله اعضاء زمین مالکان مجازی و میراث خواران با برین
 عارفان اوله واقفان زمین ملوک کامکار و سلطانین جهانداران خالی
 مالک ملوک کزین رغبت ملوکند نه از اولوب ملوک تاج و تخت
 قاس و تخت بیانه سدا انان کن زرت الارض منزه علیا و الینا ترجمه

King Saud University

Copyright King Saud University